

مقایسه‌ی نظری شبکه‌های ارتباطی از منظر اسلام و علوم انسانی غرب^۱

سید سجاد مجابی^۲

مرتضی رازداری^۳

محسن ذوالقدرنسب^۴

چکیده

این مقاله با هدف تبیین نظری و مواضع اسلامی در خصوص شبکه‌های ارتباطی در عصر حاضر و تمایزات آن نسبت به علوم انسانی غرب انجام شده است. بمنظور دستیابی به اهداف پژوهش، این نوشتار با رویکرد تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات از منابع مکتوب کتابخانه و انجام مصاحبه با صاحب نظران سامان یافته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که علوم اسلامی فارغ از نگاه غربی که در آن بیشتر بر ابزار ارتباطی و نحوه‌ی شکل‌گیری و نقشه‌ی ارتباطی بین اعضا در شبکه‌های ارتباطی تکیه شده است؛ بیشتر بر سطوح، ترویج، عمق بخشیدن و هدف روابط، تأکید دارد. در اسلام نیز مانند علوم انسانی غرب، بر تحقق دهکده‌ی جهانی تأکید شده است، اما در علوم اسلامی، این نکته با نگاهی فراتر از پراگماتیسم و بیشتر بر مبنای تعامل و عمق زیاد موجود در روابط و اینکه این مبانی فقط به روابط انسان با انسان اشاره ندارد و ساحت‌های دیگری را شامل می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است. واژه‌های کلیدی: شبکه‌های ارتباطی، علوم اسلامی، علوم انسانی غرب، ارتباطات اسلامی.

۱. تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۱۸

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، کارشناس امور تربیتی آموزش و پرورش استان قزوین Sajmol996@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی دانشگاه بوعلی همدان، آموزگار ابتدایی آموزش و پرورش همدان
m.razdari@yahoo.com

۴. عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان همدان mohsenzolghadr54@gmail.com

مقدمه

روابط اجتماعی و مفاهیم آن بسیار مهم و مؤثر بر عملکرد افراد است و این رابطه چه در علوم انسانی و چه در متون دینی به فراوانی آمده است. وینیکات، روانکاو کودک و نظریه پرداز برجسته‌ی روابط شیء، معتقد است که چیزی به نام بچه وجود ندارد. بچه نمی‌تواند تنها وجود داشته باشد، بلکه اصولاً بخشی از یک رابطه است. فروید مؤسس مکتب روان‌کاوی در مبحث روابط اجتماعی به شیء اشاره کرده است. شیء، اصطلاحی است که فروید برای اشاره به افراد دیگر استفاده کرد؛ زیرا در روان‌شناسی نهاد، دیگران بیشتر به عنوان اشیائی برای ارضای لذت‌گریزی خدمت می‌کنند. حتی روان‌شناسی به نام مارگارت ماهر، مراحل رشد روان‌شناختی افراد را بر اساس روابط فرد و شیء چیده است و به ترتیب مراحل اوتیسم بهنجار، همزیستی بهنجار، تمایز و درون‌فکنی را بیان می‌کند که اختلال در این مراحل منجر به اختلالاتی چون روان‌پریشی همزیستی می‌شود (پروچاسکا، نورکراس، ۱۳۹۵، ص ۱۲۳-۱۲۵).

با افزایش پیچیدگی و درهم‌تنیده شدن روابط، شبکه‌های ارتباطی ایجاد می‌شوند و بسیاری از شبکه‌های ارتباطی با شبکه‌های ارتباطی دیگری در ارتباطند. البته بسیاری از شبکه‌های ارتباطی زیرسایه‌ی شبکه‌های ارتباطی کلان نیز هستند که در رابطه با این دو تقسیم‌بندی نظریات مختلفی وجود دارد. در عصر جدید و با توسعه‌ی شبکه‌های اجتماعی این تقسیم‌بندی مهم‌تر جلوه کرده و در علوم انسانی زمینه‌ساز تحقیقات گسترده‌ای شده است، اما در متون دینی آن چنان به آن پرداخته نشده است. تاکنون با توجه به وسعت مباحث شبکه‌های ارتباطی و اهمیت این موضوع در زندگی مدرن افراد و همچنین وسعت مباحث و شاخص‌های ارتباطی از نظر اسلام، تحقیق خاصی انجام نشده است و جوامع اسلامی به دلیل خلأ پژوهش در ایجاد و دوام شبکه‌های ارتباطی، یک شیوه‌ی تقلیدی از غرب پیش گرفته‌اند که این امر، خود یک درون‌مایه‌ی وابسته‌ساز و غرب‌زده را برای جوامع شرقی و اسلامی فراهم می‌کند. در این نگارش تلاش شده است مفاهیم ارتباطی از منظر اسلام و علوم انسانی غرب به صورت مقایسه‌ای بررسی شود.

۱. نظریات شبکه‌های ارتباطی در علوم انسانی و متون دینی

نظریه شبکه‌های ارتباطی در علوم انسانی و اسلام به شرح ذیل است.

۱-۱. شبکه‌های ارتباطی در علوم انسانی

کلمه‌ی ارتباط به صورت مفرد، نشان دهنده‌ی فرایند و جریانی است که پیام را از منبع یا فرستنده به مقصد یا گیرنده ارسال می‌کند، اما کلمه‌ی ارتباطات به صورت جمع به معنای ابزار و وسایل پیام است. اخیراً به دلیل وجود شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، عصر انفجار اطلاعات و ارتباطات به وجود آمده است و در این دوره افراد توسط ابزار ارتباطی جدید احاطه شده‌اند؛ از این رو بیشتر محققان علوم انسانی در پژوهش‌های خود درباره شبکه‌های ارتباطی، بیشتر به ابزار ارتباطی و اهمیت آن‌ها توجه کرده‌اند و این الگوی دو مرحله‌ای را بیشتر نشانه‌ای از انحطاط نظریه‌ی تزریقی درباره‌ی تأثیرات رسانه‌های جمعی دانسته‌اند. این نظریه بیان می‌کند که رسانه به طور مستقیم و مجزا بر افراد اثر می‌گذارد. در الگوی دو مرحله‌ای به طور خلاصه اعتقاد بر این است که اطلاعات به صورت غیر مستقیم و از طریق رهبران فکری به مردم می‌رسد و رسانه‌ها در این الگو بسیار مهم هستند؛ زیرا ابزار رهبریت افراد هستند. امروز سمت و سوی پژوهش‌های علوم انسانی در حوزه‌ی شبکه‌های ارتباطی بیشتر متمرکز بر دو مقوله‌ی رهبران فکری و شبکه‌ها و رسانه‌های ارتباطی است (رزاقی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷).

۲-۱. شبکه‌های ارتباطی در اسلام

از منظر اسلام، شبکه‌های ارتباطی را می‌توان با سه رویکرد ارزیابی کرد؛ رویکرد کمیت، کیفیت و هدف‌گرا. گفتنی است که ارتباطات در جامعه اسلامی به چهار ساحت ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با انسان‌های دیگر و ارتباط با طبیعت طبقه‌بندی می‌شود. مهمترین ویژگی ارتباطات اسلامی در مقایسه با غیر آن در این است که همه‌ی ارتباطات در ساحت‌های یادشده رنگ الهی به خود می‌گیرد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که شاخص‌های نظام ارتباطی اسلام متمایز از شاخص‌های نظام‌های سکولار خواهد بود. تبیین رویکردهای سه‌گانه‌ی کمیت، کیفیت و هدف‌گرا در اسلام به شرح ذیل است.

الف. کمیت

سفارش اسلام بر افزایش ارتباطات بین مؤمنین است و این ارتباط می‌تواند به صورت تک جانبه، دوجانبه و چند جانبه باشد. در اسلام بر ایجاد یک ارتباط مؤثر با کفار نیز بحث شده است. البته گفتنی است که فضای الهی بر اختلاف و کینه بین دو قشر است، اما پیامبر اسلام ﷺ در ماجرای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز قدم‌های مثبتی برداشته است. در واقع پیامبر ﷺ به رابطه‌ای که بر رشد مؤمن به خصوص رشد علمی انجامد، تأکید دارند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «برای تحصیل به دورترین نقطه‌ی عالم سفر کنید» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ح ۲۸۶۹۷) و قطعاً انسان مؤمن اندیشه‌های حکیمانه را از هر که باشد فرامی‌گیرد، حتی اگر مشرک یا منافق باشد. معصومین علیهم‌السلام همواره رابطه با منافقین و کفار را به گونه‌ای محسوس یا نامحسوس کنار زده‌اند. حضرت علی علیه‌السلام در حکمت ۴۵ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «اگر با شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم که دشمن من شود، با من دشمنی نخواهد کرد و اگر تمام دنیا را به منافق ببخشم تا مرا دوست بدارد، دوست من نخواهد شد و این بدان جهت است که قضای الهی جاری شد». این مسأله خود بر افزایش تعداد ارتباطات و در نتیجه شبکه‌های ارتباطاتی متعدد و هدفمند دلالت دارد و مبین نگاه کمی به ارتباط در اسلام است و قرآن هرچه مانع این افزایش کمی ارتباطات باشد را منع کرده است؛ برای مثال خداوند تمسخر افراد را به شدت رد کرده و فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند؛ شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند. و نه زنان زنان دیگر را، شاید آن‌ها، بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید (حجرات: ۱۱).

ب. کیفیت

کیفیت ارتباط در شبکه‌های ارتباطی به عمق ارتباط، اندازه و حدود هر محتوا و عمل در ساحت‌های مختلف ارتباطی، اشاره دارد. خداوند، پیامبر اسلام و امامان در تمامی فرموده‌های خویش، به بحث کیفیت اشاره و تأکید کرده‌اند و همواره به علم اخلاق که ناظر بر بخش اعظمی از کیفیت شبکه‌های ارتباطی است، پرداخته‌اند. پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید: «اخلاق خود را نیکو کنید و با همسایگان خود مهربان باشید و زنان خود را گرامی بدارید تا

بی حساب وارد شوید» (ابن بابویه، ۱۴۱۶، ص ۱۲۷) و همچنین در حدیثی دیگر از ایشان آمده است: آیا می‌خواهید شما را از بهترین افرادتان خبر بدهم؟ عرض کردند: بله ای رسول خدا ﷺ. حضرت فرمودند: خوش اخلاق‌ترین شما، آنان هستند که نرم‌خو و بی‌آزارند، با دیگران انس می‌گیرند و دیگران نیز با آنان انس و الفت می‌گیرند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۴۱). امامان معصوم علیهم‌السلام نیز در هر فرصتی - در حرف و عمل - مباحث اخلاقی را بیان می‌کردند تا کیفیت شبکه‌های ارتباطی گسترده شود. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «دل‌های مردم گریزان است، به کسی روی آورند که خوشرویی کند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۵۰) و اما درباره‌ی حدود اخلاق و تشریح آن امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «نرم‌خو و مهربان باش، گفتارت پاکیزه و مؤدبانه باشد و با برادرت با خوشرویی برخورد کن» (ابن بابویه [شیخ صدوق]، ۱۳۶۱، ص ۲۵۳).

علمای اسلام بحث حفظ اندازه و حدود در روابط را به کیفیت شبکه‌های ارتباطی اضافه کرده‌اند که در این باره احکام بسیاری نیز وجود دارد. شاید در ابتدا این‌گونه به نظر آید که این مباحث خود محدودکننده روابط است، ولی هدف این موضوعات، کم‌رنگ شدن اهمیت ظواهر و عمق بخشیدن به هر بعد از ابعاد ارتباطی انسان است.

ج. هدف‌مداری

ارزیابی اهداف یک ارتباط، مبحثی است که کمتر در تحقیقات اخیر علوم انسانی به آن پرداخته شده است. در تحقیقات کنونی بیشتر بر خود ارتباط و شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی تأکید می‌شود و ابزار ارتباطی در حال جواب به تحقیقاتند، ولی اسلام از ابتدا بر سنجش و ارزیابی اهداف ارتباطی اصرار ورزیده و حتی چارچوب خاصی برای ارزیابی این شاخص اعلام کرده است. از نظر اسلام هدف ابتدایی در ارتباطات، الهی بودن و ترویج آن بین افراد است. اسلام از رشد افراد جامعه از طریق ارتباطات با یکدیگر یاد کرده و نیز به‌طور مفصل ابعاد و مضمون‌های رشدی را توضیح داده است؛ برای مثال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «تنها برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شدم» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۸).

گفتمنی است که نهایت ارتباطات الهی در ساحت‌های مختلف باید به اطاعت از خدا و شناخت خدا ختم شود و اگر این‌گونه نباشد، شخص، کافر و یا حتی مرده محسوب می‌شود. همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «تا زنده‌ها را بیم دهد و سخن حق بر کافران ثابت شود»

(یس: ۷۰). در این آیه، خداوند، کافران را در برابر زنده‌ها قرار داده است. پس در ادبیات وحی، کافران مرده محسوب می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۳۶).

۳. مفاهیم ارتباط

مفاهیم ارتباط عبارتند از شاخص، ارتباط، ارزش، اصل، هنجار، ادب، اخلاق و اسلام که اینک به توضیح هرکدام از این موضوعات پرداخته می‌شود.

۳-۱. شاخص

شاخص‌ها، نظارت و مراقبت وضعیت کلان و روابط از سوی سطوح بالای سیاست‌گذاری را امکان‌پذیر می‌کنند و همچون ابزار کلان‌مدیریتی، هدایت مقامات اجرایی را به سوی اهداف مشخص، امکان‌پذیر می‌کنند. شاخص‌ها سبب هم‌زمانی نسبی در بین سیاست‌گذاران و فرهنگ‌های متفاوت جهانی شده و توان مقایسه نسبی فرهنگ‌ها، فعالیت‌های فرهنگی و حتی سیاست‌های توسعه را فراهم می‌آورد (یوسف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۲). اکنون بزرگ‌ترین مقایسه و جدل شاخصی بین فرهنگ ارتباطی اسلام و غرب مدرن است که فرهنگ غرب بیشتر بر مصرف، مد و فردیت بنیان شده است و تماماً تجلی در عمل به سکولاریسم و امانیسم و لیبرالیسم است و همه‌ی این ارتباطات، شبکه‌هایی همسو با این نوع فردیت را شامل می‌شود. البته فردیتی که در مُد است از سبقت گرفتن از دیگران تشکیل شده است، ولی دقیقاً به همین دلیل، در نهایت، عنان ما به دست کسان دیگری است (اسونسن، ۱۳۹۸، ص ۵۳)، اما فرهنگ ارتباطی اسلام به چند بُعدی بودن هر فرد می‌پردازد و تلاش به رشد تمام ابعاد ارتباطی و در عین حال گسترده شدن شبکه‌های ارتباطی چندلایه دارد. اسلام، ارتباط را تنها برای رفع نیازهای افراد ضروری نمی‌داند، بلکه با توجه به تأثیر فرد بر جمع و جمع بر فرد، روابط را هدفدار و موجب رشد متقابل می‌داند. از ویژگی‌های شاخص مطلوب می‌توان به عقلانیت، مطلوبیت، قابل فهم بودن، عملی بودن، تعالی بخشی و پاسخگویی به نیازهای فردی اشاره کرد (یوسف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۸).

۲-۳. ارتباط

تئودورسون ارتباط را به انتقال اطلاعات، عقاید، برداشت‌ها و احساسات از فرد یا گروه به فرد یا گروهی دیگر به شکل نماد تعریف کرده است (مک کوایل، ۱۳۸۸، ص ۳۶).

۳-۳. ارزش

انسان‌ها همواره ایده‌هایی درباره آنچه که خوب یا بد، مناسب یا غیرمناسب و ضروری یا غیرضروری است، داشته‌اند. به این‌گونه ایده‌ها، ارزش گفته می‌شود. هنگامی که این ارزش‌ها در نظامی از معیارها و ملاک‌ها برای ارزیابی اخلاقی و شایستگی رفتاری، سازماندهی می‌شوند، یک «نظام ارزشی» را پدید می‌آورند (یوسف‌زاده و همکاران ۱۳۹۱، ۴۲). وجود ارزش‌ها گاهی باعث ایجاد محدودیت یا جهت‌دهی مخالف میل باطنی در افراد موجود در شبکه ارتباطی می‌شود که البته باید گفت ارزش‌ها هرگونه که باشند، وجودشان مهم است و نبود ارزش‌ها خود زمینه‌ساز ملال است و نزدیکترین آن‌ها، ملال وجودی است که روح ما از هرگونه محتوایی تهی و دنیا به چیزی خنثی تبدیل می‌شود (اسونسن، ۱۳۹۸، ص ۴۸).

۴-۳. اصل

اصل در لغت به معنای ریشه در برابر (فرع: شاخه) است، مانند اصول و فروع دین (یوسف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۳). دکارت اصول را ذات حرکت می‌داند و مولر اصول را آغاز حرکت علوم می‌پندارد (علی احمدی و علی احمدی، ۱۳۸۳، ص ۶)، اما برخی اصول را دستورالعملی برای قضاوت ارزش‌ها در مسیر حرکت به سوی هدف یا اهدافی می‌دانند (عسکریان، ص ۵۶). در مدیریت اسلامی اصول حاکم بر ارتباطات اسلامی، عبارتند از: اصل توحیدمحوری، دعوت فارغ از نژاد و گروه خاصی بودن و امانت و استقلال. البته شاید این‌گونه به نظر برسد که در شبکه‌های ارتباطی غرب، اصولی وجود ندارد و یا اگر هم باشد، تأکید بر تعدد ارتباطات دارد، ولی جواب منفی است؛ برای مثال، در ارتباطات علمی، اصل اساسی و اولیه علم است. برای مثال فکر می‌کنم عالم، خلق الساعه، از هیچ و بر اساس قوانین علم به وجود آمده است. فرض بنیادین علوم، جبریت علمی است. قوانین علمی نحوه تکامل عالم را پس از شناسایی وضعیت، در

زمان خاص تعیین می‌کنند. این قوانین ممکن است به وسیله خدا تعیین شده یا نشده باشد (استیون هاوکینگ، ۱۳۹۸، ص ۴۸). پس فرض اولیه در شبکه‌های ارتباطی غرب، توحید نیست.

۴. ارتباط در اسلام

ارتباط یک مؤمن دست‌کم در چهار ساحت؛ ارتباط با خدا، با خود، با طبیعت و با انسان‌های دیگر قابل بررسی است، اما ساحت اجتماعی هشت قلمرو یا گستره ارتباطی را در بر می‌گیرد که بر مبنای حقوق و تکالیفی که یک مؤمن در روابط اجتماعی خود دارد، ترسیم شده است. بررسی‌های آموزه‌های اسلام در مورد ارتباطات یک مؤمن در شبکه‌های ارتباطی خویش با اطرافیان، نشان می‌دهد که قلمروها یا بسترهای ارتباطی در ارتباطات خانوادگی از بیشترین شدت و ارتباط با مشرکین و کفار حربی، از کمترین شدت برخوردار است. بدین معنی که یک مؤمن مهم‌ترین و شدیدترین حقوق و تکالیف را در قلمرو خانواده و کمترین آن‌ها را در ارتباط با بیگانگان دارد. این بدین معنی است که خانواده در هسته مرکزی ارتباطات انسان مؤمن قرار دارد. مروری بر ادبیات حاکم بر آموزه‌های دین نیز این مدعا را ثابت می‌کند. گفتنی است که ارتباطات آیینی، گسترش و تبلیغی دارای چهار طبقه می‌باشد:

الف. ارتباط یک شیعه با شیعه‌ای در جامعه‌ای دیگر که از نظر فرهنگی با جامعه مقصد تفاوت‌هایی دارد؛

ب. ارتباط شیعه با فردی از اهل تسنن در جامعه خود یا جامعه‌ای دیگر؛

ج. ارتباط شیعه با اهل کتاب؛

د. ارتباط شیعه با کفار و مشرکین.

در نهایت، مدل ارتباطی انسان در شبکه‌های ارتباطی در ساحت اجتماعی به ترتیب عبارت است از: روابط میان اعضای خانواده، روابط میان خویشاوندان، روابط میان همسایگان، روابط میان دوستان، روابط میان مؤمنان، روابط میان مسلمین، رابطه با اهل کتاب و رابطه با کفار و مشرکین. البته ملاک و بُعد را بیشتر فرهنگ جامعه و نظام حقوقی و حرف تقسیم می‌کند.

شرف الدین سید حسینی، ۱۳۷۸، ص ۳۶)

۱-۴. ارتباط انسان با خدا

آیات قرآن نشان می‌دهد که بخش عظیمی از پیام‌های کلام وحی در مورد ارتباط انسان با خداست. رابطه‌ی خالق و مخلوق زیباترین جلوه‌ی هستی است که انسان تشنه‌ی ر، از زلال رحمت و برکات حضرت حق سیراب می‌کند. قرآن، با کلمه‌ی «الله» آغاز شده و با کلمه «ناس» خاتمه می‌یابد و این بیانگر اهمیت رابطه‌ی خدا و مردم است. در آیه ۱۸۶ سوره‌ی بقره، خداوند هفت مرتبه به ذات مقدس خود و هفت بار به بندگان اشاره می‌کند و این اوج ارتباط و پیوند خداوند متعال با بندگان است. انسان بنا بر فطرتش به ارتباط با مبدأ کمال متمایل است؛ چراکه کشش فطری در درون، او را به سوی بی‌نهایت سوق می‌دهد و این تمایل نامحدود به غیر از ارتباط با کمال مطلق و نیروی بی‌انتهای خالق هستی اقناع نمی‌شود. عبادت، دعا و نیایش بهترین راه شکوفایی این تمایل فطری و استعداد درونی انسان است و خداوند متعال هم ارزش و جایگاه واقعی انسان را در بارگاه خویش به وسیله دعا و نیایش او تعیین می‌کند (پاک‌نیا، ص ۱۵).

۲-۴. ارتباط انسان با خود

انسان از آن جهت که موجودی خودآگاه است، قدرت ایجاد ارتباط با خویش را داراست. این ارتباط به معنای رابطه او با حقیقت و درک جایگاه خود در نظام هستی و قابلیت‌ها و توانایی‌های خویش است. انسان با توجه به بُعد معنوی خود، حقیقتی به نام من یا خود را ادراک می‌کند که هویت و شخصیت او برخاسته از آن است و در طی دوران زندگی با وجود تغییرات فراوانی که در جسم او رخ می‌دهد، این حقیقت واحد در وجود او تغییر نمی‌کند و انسان از وحدت هویت و شخصیت برخوردار است. انسان در وجود خویش به صورت فطری از بینش‌ها و گرایش‌هایی برخوردار است که لازمه ادامه حیات و سیر او به سوی کمال است. چگونگی بهره‌برداری و استفاده از این امور فطری، مشخص‌کننده‌ی مسیر حرکت وی به سوی کمال مطلوب یا سقوط و انحطاط او خواهد بود. روح انسان حقیقتی است غیرمادی که مانند هر وجود مجردی دارای سه بُعد علم و آگاهی، قدرت و محبت است. این علم و آگاهی که به صورت ناخودآگاه در هر انسانی وجود دارد و در کنار گرایش‌های فطری او، منبع و منشأ ارتباط

انسان با خویشتن است. با توجه به قدرت انسان بر تشخیص، آگاهی، پیمودن مسیر، اختیار در تفکر و عمل، گرایش به خود در انسان و محبت به خویشتن موجب می شود که علم و آگاهی ناخودآگاه او به خویشتن، به علم و آگاهی آگاهانه تبدیل شود. سپس در مرحله ی عمل با توجه به آگاهی ها، خود را برای رسیدن به خیر، کمال و قرب الهی، آن چنان که باید بسازد، به سلاح ایمان و تقوا مجهز شود و با فراهم آوردن عوامل سعادت و برطرف کردن موانع و آفات، به سیر و سلوک خویش ادامه دهد تا خود را به عالی ترین مراحل تکامل برساند و از خود طبیعی به سوی خود انسانی و سپس به مرحله خود اعلا که مظهري از ذات حق است، تغییر دهد و خلیفه الله و مظهر اسما و صفات الهی شود. (آل بویه، ۱۳۸۸)

۳-۴. ارتباط انسان با دیگران

از مجموع روایات می توان نتیجه گرفت که ویژگی های فرد مؤمن در روابط اجتماعی، دوستی و روابط با افراد جامعه براساس خدامحوری، تعقل و صداقت است. شخص مؤمن خیرخواه دیگران و پناه مسلمین است و در رفع مشکلات دیگران تمام توان خود را به کار می گیرد. علاوه بر اینکه فردی باحیاست، سعی در پوشاندن عیوب دیگران نیز دارد. رفتار او در جامعه مبتنی بر حسن معاشرت، تواضع، مهربان و گذشت است. علاوه بر این ها سعی در جلب دوستی، محبت و احترام برادران دینی خود دارد. از این رو به تعهداتی که بر عهده گرفته پایبند است و هیچ کسی از وی انتظار کارهای ناشایست، ظلم و تعدی به دیگران را ندارد (یوسف زاده، ص ۲۱۹). ارتباط انسان با دیگران در اسلام در موضوعات صله رحم، ارتباط با دوستان و اصول حاکم بر روابط دوستانه میان مؤمنان مطرح شده است.

۱-۳-۴. صله رحم

شبکه خویشاوندی به عنوان یکی از مجموعه های مهم نظام اجتماعی، از کهن ترین و اصیل ترین کانون های تجمع انسانی است که بعد از خانواده در مرتبه دوم قرار دارد. تعامل سرزنده و مفید افراد یک فامیل به مثابه یک واحد کوچک از جامعه اسلامی دارای اهمیت است. تداوم ارتباط بین خانواده و خویشاوندان ستون استحکام خانواده و به تبع آن جامعه است. صله رحم دارای اهمیت فراوانی است؛ چنانکه در روایات گوناگون بسیار به آن پرداخته

شده است. وجوب فقهی صله رحم بر ما پوشیده نیست و در قرآن و روایات تاکید فراوانی به آن شده است؛ برای نمونه خداوند در قرآن می‌فرماید: «بترسید از حق خویشان، پس با ارحام پیوند کنید از قطع رابطه با ارحام بپرهیزید» (نساء: ۱). از جمله موضوعاتی که در روز قیامت از آن سوال می‌شود، صله رحم است. روایات متعدد نیز صله رحم را یکی از نشانه‌های دین‌داری برشمرده‌اند (ر.ک. کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۶۰).

ارتباط با خویشاوندان در سلامت جسم و جان تأثیر بسزایی دارد، انسان را به زندگی امیدوار می‌کند و باعث آرامش و افزایش عمر می‌شود. جوامع اسلامی این ظرفیت را دارند که از صله رحم در زمینه رشد امید به زندگی بهره ببرند. از دیگر فواید صله رحم کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و تسهیل فرآیند جامعه‌پذیری افراد به خصوص کودکان است. بسیاری از هنجارهای اجتماعی در دید و بازدیدهای روابط خویشاوندی آموخته می‌شوند. هرچه روابط گسترده‌تر باشد، کودکان فرصت‌های بیشتری برای مشاهده و الگوبرداری از رفتارهای دیگران پیدا می‌کنند و مهارت‌های خود را افزایش می‌دهند.

روابط خویشاوندی از چهار اصل پیروی می‌کنند که شامل اصل احسان، سلسه مراتب، تقدم مصالح معنوی بر مصالح مادی و رعایت الویت‌ها است. اصل احسان با شاخص ایشار به معنای عدم انتظار دریافت پاداش پایاپای شناخته می‌شود و به شکل‌های مختلف زبانی، فعلی، قلبی و مالی قابل ارائه است. اصل رعایت سلسله مراتب به این معنی است که خویشان نزدیک‌تر بر افراد دورتر تقدم دارند. مادر، پدر، برادران و خواهران (با تأکید بر طبقات ارث) بر سایر افراد الویت دارند. اصل تقدم مصالح معنوی بر مادی نیز به این نکته اشاره دارد که تنظیم روابط باید بر اساس میزان رعایت آداب شرعی و با رعایت تقدم رضایت خدا بر رضایت اقوام باشد و در صورت وجود زمینه‌های ارتکاب گناه به حداقل اکتفا شود. اصل رعایت الویت‌ها نیز به این معنی است که ارتباط با خویشان و افراد فامیل بر افراد بیگانه، مقدم است و همچنین خویشان فقیر بر سایر نیازمندان الویت دارند.

در جهان بینی اسلامی، انسانی که درصدد است بر اساس باورهای دینی خود، رضایت خداوند را جلب کند، باید ارتباطاتش با دیگران، طبیعت و حتی خودش متفاوت از ارتباطات انسان‌ها در سایر جهان بینی‌ها باشد. چنین انسانی علاقه‌مند است که فرهنگ و

سازمان های مسلط بر جامعه، این ارتباطات را تشویق کنند و به رسمیت بشناسند. برای تنظیم روابط اجتماعی به صورت کلی از جمله با همسایگان و ارتباط صحیح و اسلامی با آن ها، قواعد عام و فراگیری وجود دارد که تحت عنوان اصول حاکم بر روابط اجتماعی از آن ها یاد می شود. برخی از اصولی که در ارتباط با همسایگان وجود دارد عبارت است از: خدامحوری، عدالت، کرامت انسانی، احسان، خیرخواهی، احترام متقابل، حسن معاشرت و رعایت الویت ها. در مقام عمل نیز آداب، وظایف و هنجارهایی وجود دارد که ریشه در همین اصول دارند که اینک به تبیین آن ها پرداخته می شود.

تعریف همسایه در اسلام از دو ملاک قرابت ملکی و قرابت همنشینی تبعیت می کند. نزدیکی منزل، مزرعه، مغازه و ... سبب اطلاق همسایگی به افراد می شود. همچنین هرکسی که به نوعی با انسان نشست و برخاست داشته باشد، ملاک همنشینی را در بر می گیرد. لازم به ذکر است همسایگی ملکی و همسایگی همنشینی از نظر حقوق تفاوت های زیادی دارند که در مجال این بحث نمی گنجد. از طرفی بخش قابل توجهی از روایات نیز به همسایگی ملکی تاکید دارند. جایگاه همسایه از منظر اسلام اهمیت فراوانی دارد. آیات و روایت های فراوانی، احسان و نیکوکاری در حق همسایه را به مثابه عبادت خداوند دانسته اند؛ برای مثال خداوند متعال در قرآن، ابتدا مردم را به عبادت و بندگی خود دعوت نموده و بیان می کند که خدا را پرستید و هیچ چیز را بر او شریک قرار ندهید. سپس به حق پدر و مادر اشاره کرده و نیکی را از پدر و مادر آغاز کرده و پس از ایشان به خویشاوندان و یتیمان و درویشان می رسد که گرچه از همسایه دورترند، ولی برای رعایت و حمایت شایسته ترند. سپس به همسایه ی نزدیک و همسایه ی دور می پردازد و آن دو را بر رفیق و همنشین مقرب مقدم می داند (نساء: ۳۶). همسایه داری نشانه ایمان افراد و موجب آمرزش گناهان می شود. امام صادق علیه السلام نیز در تاکید به اهمیت همسایه داری، ارزش همسایه را با جان انسان سنجیده است و می فرماید: «حرمت همسایه آدمی مثل نفس اوست که باید به او ضرر نرساند» (عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۸۷).

اصول حاکم بر روابط همسایگی شامل دو اصل عدالت و احسان است. عدالت یکی از اصول مسلم اخلاقی است که بنیان بسیاری از احکام اسلامی را در بر می گیرد. بالانبردن دیوار، اجتناب از تجاوز به حریم خصوصی همسایه و سلب امنیت همسایه، از مصادیق مهم رعایت

عدالت در روابط همسایگی است. احسان نیز به معنای تفضل و امری فراتر از عدالت است؛ چراکه عدالت انجام امور به عهده‌ی انسان است، ولی احسان این است که انسان بیش از آنچه که بر عهده اوست، انجام دهد و کمتر از آنچه حق اوست، دریافت کند. تعارف غذا و اهدای میوه، قرض دادن، صبر بر آزار همسایه، نصیحت همسایه، حسن معاشرت و مشارکت در غم و شادی همسایگان از مصادیق اصل احسان است.

۴-۳-۲. ارتباط با دوستان

بر اساس معیارهای دینی، دوستی همان محبت، علاقه، ارتباط روحی، حسن معاشرت و گفتگو میان دو فرد یا افراد جامعه با ملاک صحیح و انگیزه‌ای الهی است، به طوریکه بر اساس آن بتوان نیازهای فردی و اجتماعی دنیوی و اخروی خود را برآورده ساخت. سرشت آفرینش انسان، اجتماعی است و انسان‌ها برای مرتفع ساختن نیازهای فطری خود، چاره‌ای جز ارتباط با یکدیگر ندارند. نیاز هر فرد به دیگران فقط در نیازهای مادی خلاصه نمی‌شود، بلکه انسان‌ها در فطرت به گونه‌ای خلق شده‌اند که روح آن‌ها به یکدیگر متمایل و علاقه‌مند است. بشر خود را نیازمند به داشتن نوعی ارتباط با دیگران می‌بیند، به طوری که بدون برقراری این ارتباط، قادر به ادامه حیات به شکل مطلوب نیست (یوسف‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۵۴). آنچه در باب دوستی در آیات و روایات آمده، نشان‌دهنده اهمیت بسیار بالای دوست و رابطه‌ی دوستی است. چنان‌که آمده است اگر می‌خواهید کسی را بشناسید، می‌بایست از دوستانش او را بشناسید یا کسی که خدا دوستش داشته باشد، دوستی شایسته نصیبش می‌کند. در قرآن کریم محبت و اطاعت لازم و ملزوم یکدیگر خوانده شده‌اند: «بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می‌کنند و آن‌ها را همچون خدا دوست می‌دارند... در آن هنگام، رهبران گمراه و گمراه‌کننده از پیروان خود، بی‌زاری می‌جویند» (بقره: ۱۶۵). در این آیه محبت و دوستی، پایه‌ی ارتباط میان سران و پیروان قرار گرفته و رابطه میان آنان رابطه تابع و متبوع معرفی شده است؛ به این معنا که محبت و اطاعت ملازم یکدیگرند، یعنی هرکجا محبت باشد، اطاعت نیز خواهد بود.

اثرپذیری نفس از دوستان امری مسلم است. هم‌نشینان و دوستان انسان که همیشه و به تناوب با او در حشر و نشر هستند، بخش قابل توجهی از دریافت‌ها، اخبار و اطلاعات وی را

تشکیل می دهند و بالطبع سهم قابل توجهی از اندیشه ها و افکار انسان را به خود اختصاص می دهند. از امام علی علیه السلام آمده است: «با خوبان معاشرت کن تا از آنان باشی و از بدان دوری کن تا از آنان نباشی» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). این روایت تصریح دارد که هم نشینی با انسان های نیکو، فرد را انسانی نیک و مورد رضایت خداوند و به عکس مجالست با بدان، او را در شمار بدان قرار خواهد داد (یوسف زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷).

۴-۳-۳. اصول حاکم بر روابط دوستی میان مؤمنان

اولین اصل حاکم بر روابط دوستی، اصل خدایی بودن دوستی هاست. دوستی زمانی به صفت خدایی متصف می شود که اثر آن بر زندگی دنیوی و حیات اخروی فرد مطلوب، سازنده و تعالی بخش باشد. این مشخصه ها، معیار و ملاک دوستی هایی است که قرآن و ائمه معصومین علیهم السلام، افراد را به سمت آن رهنمون شده و آن را عاملی برای رسیدن و نرسیدن انسان ها به کمال دانسته اند. امام باقر علیه السلام در اشاره به شاخص های دوستی برای خدا می فرماید: «هرگاه خواهی بدانی در تو خیری هست، به دلت نگاه کن، اگر اهل طاعت خدا را دوست و اهل معصیت خدا را دشمن دارد، در تو خیر است و خدا هم ترا دوست دارد، و اگر اهل طاعت خدا را دشمن و اهل معصیت خدا را دوست دارد، در تو خیر نیست و خدا دشمنت دارد، و هرکسی همراه دوست خود است» (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۲۷). تحقق صفات الهی در روابط دوستانه، محبت به اولیای خدا و تأکید بر ایمان در دوستی از ویژگی های اصل خدایی بودن دوستی ها است. اصل دوم در تحکیم روابط دوستانه، خیرخواهی است. زمانی که شخصی ما را از ظلم به خود، دیگران و خداوند باز دارد و ما را به سمت انجام اعمال نیک و صالح رهنمون کند، از دیدگاه امام علی علیه السلام شایستگی اطلاق کلمه دوست را دارد. مساعدت مالی، دعا در حق دوستان و نصیحت به هنگام ارتکاب گناه از مصادیق اصل خیرخواهی است. حسن معاشرت نیز سومین اصل از اصول روابط دوستانه است که مصادیق آن گذشتن از لغزش ها و وفاداری است. یکی از مسائلی که در اسلام بر آن تأکید فراوان شده، گذشت و عفو دیگر مؤمنان است و در روایات کسانی که برای رضای خدا عفو و گذشت می کنند را به بهشت بشارت داده اند. انسان مجموعه ای از عملکردها و گفتارهایی است که در میان آن ها، کردارهای درست و اشتباه بسیاری دیده می شود. دوستان نیز از این قاعده مستثنا نیستند و ممکن است دست به خطا

بزنند. از حقوق متقابل دوستان، گذشتن از اشتباهات یکدیگر است. منظور از وفاداری نیز، ثبات در محبت و ارادت است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «تقوا، پرهیزکاری، امانت‌داری و وفای به عهد، از صفات شیعیان ماست». دوستی تنها در سایه وفاداری، مودت و برادری است که می‌تواند پایدار بماند. اصل تکریم نیز به عنوان آخرین اصل از روابط دوستانه مورد توجه است. یکی از مهمترین اصول محبت و دوستی، احترام متقابل است؛ چراکه شوخی‌های نابجا و بی‌احترامی‌ها، محبت را کم و از بین می‌برد. هرچه در دوستی احترام متقابل بیشتر باشد، آن دوستی پایدارتر خواهد بود. در رساله حقوق امام زین العابدین علیه السلام آمده است: «از حقوق دوست برگردن تو این است که به وی احترام بگذاری، همان‌گونه که علاقه‌مندی به تو احترام بگذارد» (یوسف‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱).

۴-۴. ارتباط انسان با طبیعت

هنگامی که سخن از رابطه متقابل انسان و طبیعت به میان می‌آید، این سوال مطرح می‌شود که منظور از رابطه چیست؟ چون در نظام هستی میان پدیده‌ها و موجودات، گونه‌های مختلفی از رابطه، قابل شناسایی و تعریف است. رابطه علی و معلولی یعنی یک موجود، علت پیدایش موجود دیگر است. رابطه سبب و مسبب یعنی یک موجود، زمینه‌های پیدایش و ظهور موجود دیگر را فراهم می‌کند و یا موانع وجود آن را از میان بر می‌دارد. همچنین علاوه بر این‌ها انواع رابطه امکان‌پذیر است؛ مانند رابطه و تأثیر جسمانی و مادی و رابطه و تأثیر معنوی و معرفتی. مطالعه در آیات قرآن و همچنین تجربیات علمی و حسی نشان می‌دهد که تقریباً همه‌ی این‌گونه رابطه‌ها به جز رابطه‌ی علت و معلولی درباره انسان و طبیعت قابل شناسایی هستند. رابطه بیولوژیکی انسان با خاک و آب در بسیاری از آیات قرآن مورد توجه قرار گرفته است. در قرآن آمده است: «خداوند هر جنبنده و جاندار را از آب آفرید». (نمل: ۴۵) دامان سخاوتمند طبیعت منبع معیشت انسان است. «اوست که دریا را رام کرد تا از آن گوشت تازه بخورید و زیورهای بیرون آرید و خویشان بدن بیارایید. و کشتی‌ها را می‌بینی که دریا را شکافند و پیش می‌روند، تا از فضل خدا روزی بطلبید، باشد که سپاس گویند» (نحل: ۱۴).

بینایی و بصیرت انسان معنابخش زیبایی طبیعت است. یکی از مقوله‌های معنایی و

ادراکی، مقوله‌ی زیبایی است. با این خصوصیت که ممکن است تجلی زیبایی در قامت ماده باشد، ولی ارزش زیبایی و موثر بودن آن، منوط به درک شدن آن از سوی موجودی خردمند و احساس‌گر که آن موجود در زمین، چیزی و کسی جز انسان نیست: «و ما در آسمان برج‌هایی قرار داده‌ایم و آن را زینت بخشیدیم برای نظاره‌گران». (حجر: ۱۶) نظام طبیعت دارای قوانین، ضوابط، رموز و نشانه‌هایی است که تنها در پرتو اندیشه و تفکر بشر قابل شناسایی و بهره‌وری است و اگر انسان و اندیشه‌ی او از جهان حذف شود، آن رموز و نشانه‌ها بی‌فرجام و لغو خواهند ماند: «به وسیله باران برای شما کشتزار و زیتون و نخل‌ها و تاکستان‌ها و انواع میوه‌ها می‌رویاند، همانا در این رویش متنوع و گونه‌گون، آیه و عبرتی است برای اهل اندیشه و تفکر» (نحل: ۱۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده، نتیجه می‌گیریم که در مکاتب علوم انسانی غرب بیشتر تأکیدات و تحقیقات بر اهداف منفعت طلبانه و ابزار تحقیق است و این بحران مدرنیسم و پراگماتیسم در عمق این مطالعات نیز نفوذ کرده است و همچنین جهان غرب بر مطالعه‌ی شبکه‌های ارتباطی و نقشه‌های ارتباطی و این پیچیدگی‌ها، دارای نظر و ایده است، ولی متون دینی اسلام یک نگاه کلی بر پیکره‌ی ارتباطات و شبکه‌های ارتباطی دارد که علاوه بر اهداف ارتباطی، بر مسیر الهی بودن هر نوع ارتباطی نیز تأکید می‌ورزد و بر این قرار است که خداوند در هر جهت از ارتباط باید مد نظر قرار بگیرد. اسلام علاوه بر کیفیت ارتباطات، بر ایجاد و افزایش کمیت ارتباط نیز تأکید دارد و این کمیت و کیفیت را در چهار ساحت اصلی ارتباط با دیگران، خود، خداوند و طبیعت باید به کار برد که همگی مکمل و راهی برای افزایش رشد مادی و معنوی انسان هستند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه

الف. کتب

۱. ابن بابویه [شیخ صدوق]، محمد بن علی، التوحید، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۲. _____، معانی الاخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۳. اسونسن، کارل، فلسفه ملال، ترجمه افشین خاکباز، تهران: نشر نو، ۱۳۹۸.
۴. برک، لورا، روانشناسی رشد از لقاح تا کودکی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران، ۱۳۹۴.
۵. پاک نیا، عبدالکریم، مفاتیح الغیب (کلیدهای ارتباط با خدا)، قم: فرهنگ اهل بیت (ع)، ۱۳۹۰.
۶. پروچاسکا، جیمز و نورکراس، جان سی، نظریه های روان درمانی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: روان، ۱۳۹۵.
۷. پی شولتز، دوان، نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش، ۱۳۹۵.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۹. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی (عج) موجود موعود، قم: اسرا، ۱۳۸۷.
۱۰. جی، ریموند و برگر، میلتن، شیوه های تغییر رفتار، ترجمه علی فتحی آشتیانی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، ۱۳۹۴.
۱۱. رزاقی، افشین، نظریه های ارتباطات اجتماعی، تهران: پیکان، ۱۳۸۱.
۱۲. طبرسی، حسن، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰.
۱۳. عاملی، حر، وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، قم: آل البیت، ۱۴۱۴ق.
۱۴. علی احمدی، علیرضا و علی احمدی، حسین، مبانی و اصول مدیریت اسلامی، تهران: تولید دانش تهران، ۱۳۸۳.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره ای، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۶. مک کوایل، دنیس، نظریه ی ارتباطات جمعی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۸.
۱۷. متقی هندی، علاء الدین متقی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹.
۱۸. هاوکنگ، استیون، پاسخ های کوتاه به پرسش های بزرگ، ترجمه مزدا موحد، تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۷.
۱۹. ولایتی، علی اکبر، نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹.
۲۰. یوسف زاده، حسن و همکاران، شاخص های ارتباطات اجتماعی در جامعه اسلامی، تهران: مرکز بررسی های راهبردی ریاست جمهوری، ۱۳۹۱.

ب. مقالات

۲۱. آل بویه، طاهره، «ارتباط انسان با خود»، نامه جامعه، ۱۳۸۸، شماره ۵۹.